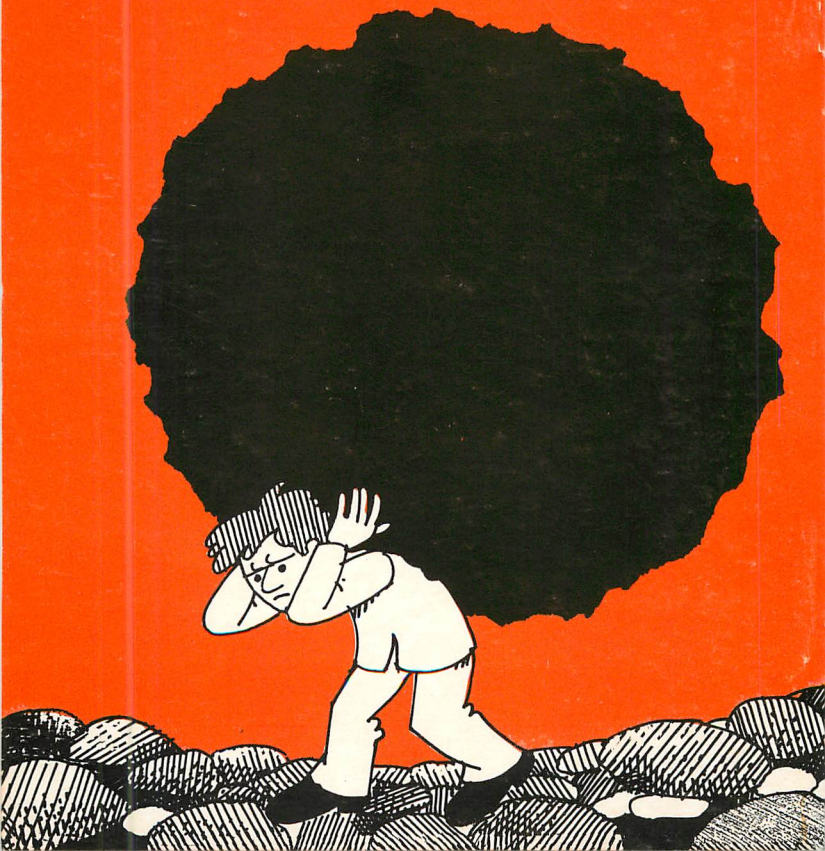


Johannes Hansen

Heinz Giebeler

# بکجا با این بارم ؟







نور و امید

بکجا با این بارم ؟



## پیشگفتار

این کتابچه که در اصل به زبان آلمانی نوشته شده است بصورت‌های مختلف موجود است .

از نویسندۀ آن Heinz Giebler  
سپاس گذاریم که به کلیسای فارسی زبان  
نور و امید اجازه ترجمه آنرا به فارسی داده اند  
و نیز از همکاری آقای کریم . م که ما را در  
برگرداندن آن به فارسی کمک کردند ممنونیم .  
ما نهایت کوشش خود را بعمل آورده ایم تا در  
برگرداندن این کتابچه بفارسی هدف و منظور  
و مفهوم اصل آنرا حفظ نمائیم .  
برای کسب اطلاعات بیشتر با ما به آدرس زیر  
مکاتبه فرمائید .

Licht u. Hoffnung

Postfach 1506

6530 Bingen 1

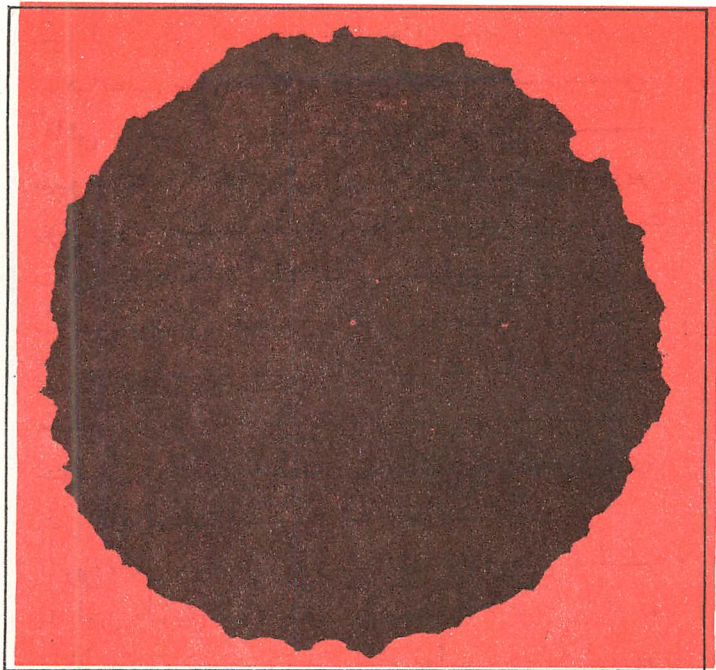
نور و امید

صندوق پستی

لکه سیاه در صفحهء سرخ رنگ، دوزنگ کا ملا  
متفاوت با یکدیگر. این لکه را برای مثال گناه  
تصور می کنیم. ولی گناه یعنی چه؟ بعضی ها  
فکر میکنند که گناه آن است که کسی قتلی انجام  
دهد و یا دست به یک دزدی بزرگی بزند و یا  
رشوه دادن و یا تقلب کردن گناه است و اگر  
هیچ کدام از آنها را انجام نداده باشد دیگر  
گناهکار نیست. کلام خداوند میگوید، "همه  
گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر میباشند".  
پس گناه چیست؟ گناه یعنی برضد خدا طغیان  
کردن و ایمان نداشتن به او.

بنا بر این دوزندگی همهء ما این لکه سیاه  
یعنی گناه وجود دارد. وجود گناه دوزندگی  
ما امری است حتمی. و بسیار مهم است که ما  
بدانیم چگونه بر علیه آن قیام کنیم و یا چه کار  
میشود کرد تا گناه یا این لکه سیاه از زندگی  
ما محو شود. خیلی ها سعی میکنند که آنرا



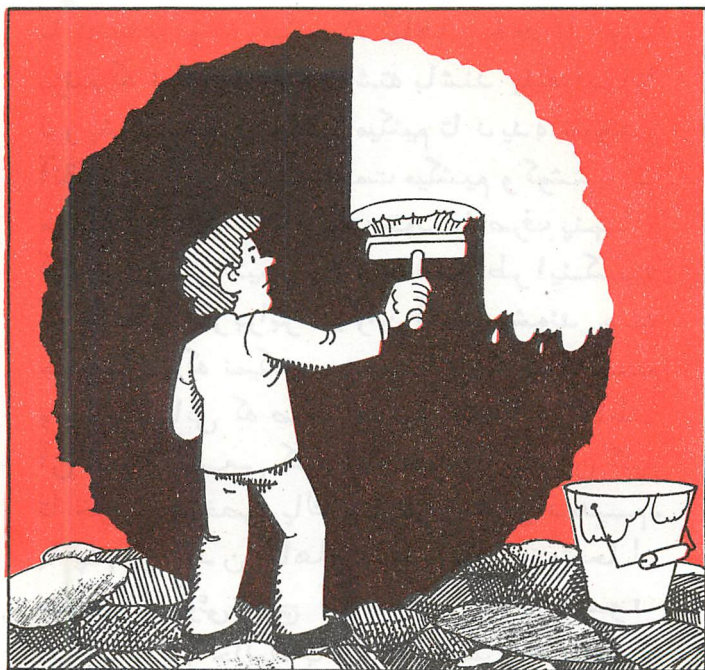


بطریقی پنهان کنند .  
عکس العمل ما در مقابل گناه چیست ؟ در چند  
تصویری که نشان داده میشود خواهیم دید که  
انسان به چه روشهایی متصل میشود تا گناه  
خود را پنهان کند . ممکن است که ما نیز خود  
را در یکی از این تصاویر ببینیم .

یکی از طرقی که من و شما برای پنهان کردن گناهانمان بکار میگیریم ممکن است مانند همین آقائی باشد که گناه خودش را با رنگ سفید میپوشاند تا که زشتی آن دیده نشود و در زیر پوشش رنگ سفید پنهان بماند، چون ما دوست داریم که همیشه گناهانمان پنهان بماند تا در ظاهر شخصی خوب و پاک و در مقابل مردم بی عیب باشیم. ولی گناه نمیتواند تا به ابد مخفی بماند بلکه بالاخره زمانی میرسد که خودش را ظاهر میکند. در کلام خداوند برای هر گناه اسمی گذارده شده مانند :

دروغ، نفرت، غرور، تکبر، دزدی، دورویی و غیره. به این طریق گناه خود را پنهان کردن راه - عاقلانه ای نیست، چون گناه برای همیشه در زیر پوشش رنگ باقی نخواهد ماند بلکه روزی بر ملا خواهد شد. ما چگونه به گناهان خود رنگ سفید میزنیم؟ بعضیها برای اینکه به خطا و گناه خود رنگ سفید بزنند و گناه خود را پنهان و بی اهمیت جلوه دهند، میگویند: "من از کوچکی





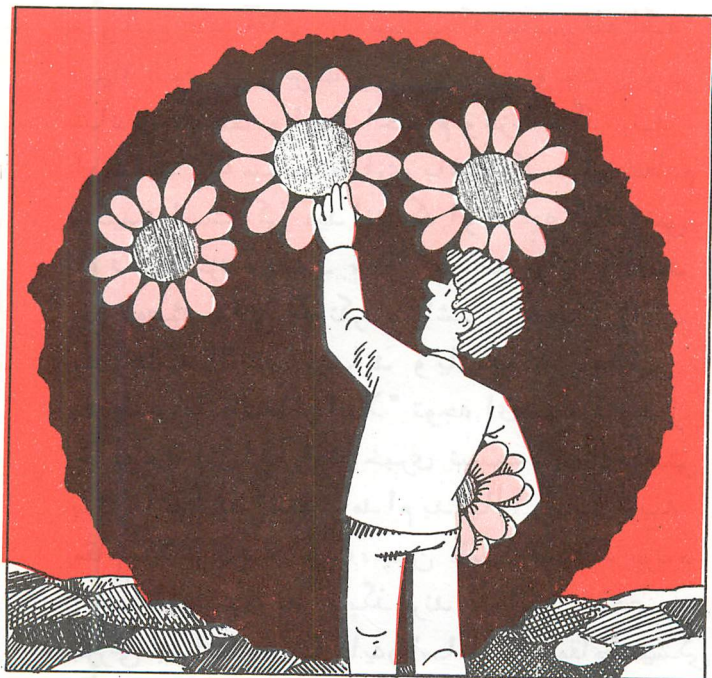
این عادت را داشتم و نمیتوانم آنرا ترك كنم" و  
 یا چون پدر و مادر من اینطور مرا بار آورده اند  
 من نمیتوانم آنرا ترك كنم و یا من در محیطی  
 دیگر بزرگ شدم و برای گناهان خود عذرو بهانه  
 میآورند، در صورتیکه این نوع بهانه ها فقط رنگ  
 زدن به تقصیرات و گناهان خودمان است که  
 میخواهیم به این طریق آنها را پنهان کنیم.

ما نه فقط کوشش میکنیم که گناهان خود را رنگ  
 بزنیم که نمای قشنگی داشته باشند بلکه آنها را  
 در پشت دیواری مخفی میکنیم تا دیده نشوند و  
 آنقدر در این جهت زحمت میکشیم و کوشش -  
 مینمائیم که اغلب تمام وقت خود را صرف پنهان  
 کردن آن می کنیم. من و شما بخاطر اینکسه  
 گناهانمان در برابر دیگران آشکار نشوند چه  
 خرجهایی که نمیکنیم و زحمتهایی که نمیکشیم  
 وجهه وقتهایی که صرف نمیکنیم، همه اش بخاطر  
 آن است که سعی کنیم گناه خود را پنهان کنیم  
 تا خود را شخصی پاک و بهتری نشان دهیم.  
 با پنهان کردن گناهان خود آنقدر خوشحال  
 میشویم که گوئی هیچ گناهی در زندگی خود  
 نداریم. در حالیکه با این کار فقط خود را فریب  
 میدهیم و به دروغ خود را خوشحال میکنیم.  
 گناهانی که پنهان شده و ما سعی به فراموش  
 نمودن آنها میکنیم گناهانی هستند که خداوند  
 هرگز نمیخشد، چون این نوع گناهان روزی -



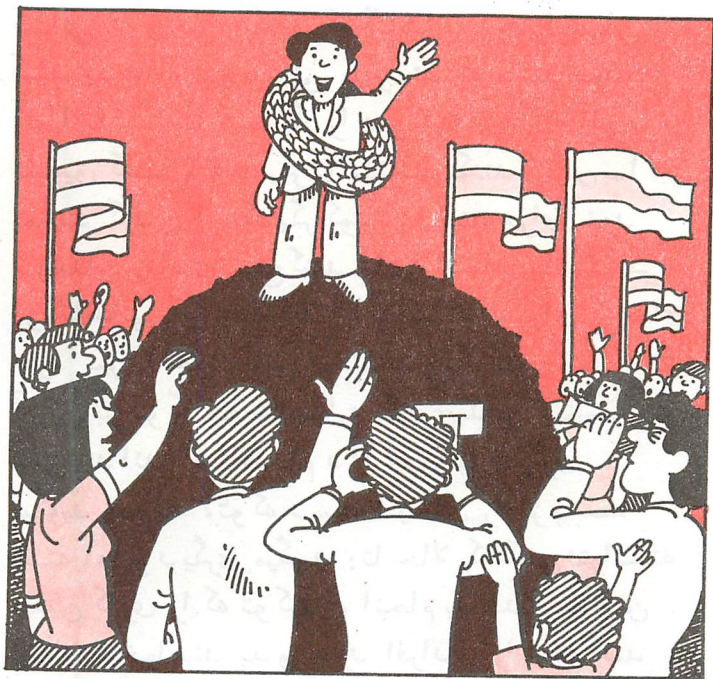
آشکار خواهند شد . پنهان کردن گناه هیچ  
وقت به ما کمک نمی‌کند بلکه فقط بار ما را سنگین  
و سنگین تر مینماید .

من و شما در برابر گناه چه عکس العملی نشان  
 می‌دهیم؟ آیا من مانند این آقا گناهان خود را  
 را تزیین میکنم؟ بله، خیلی‌ها هستند که لکه‌  
 درون خود را تزیین میکنند تا نمای خوبی داشته  
 باشد و آنرا نقاشی میکنند و یا زینت میدهند و  
 یا آنرا وصله میزنند تا گناهانشان را زیبا و قشنگ  
 جلوه دهند این قبیل افراد میگویند: "اگر بشر  
 گناه را تجربه نکند لذت بدی و خوبی را درك  
 نخواهد کرد و مزه آنرا درك نکرده و بایستی  
 حتماً آنرا بیآزماید. و یا میگویند "مرد آن است  
 که همه کاری را کرده باشد. خانمها میگویند:  
 ما ضعیف هستیم و زود فریب میخوریم، تقصیر از ما  
 نیست چون طبیعت ما ضعیف است و این طور  
 آفریده شده ایم. و یا دیگری میگوید: "من  
 ناچار شدم که دست به دزدی بزنم و یا بخاطر  
 شرکت رشوه داده ام و یا فلان کار را کرده ام."  
 بدین طریق سعی میکنند لکه سیاه درون خود  
 را با این گفته‌ها توجیه کنند.



در این عکس آقائی را میبینیم که بر سر قلهٔ لکهٔ  
 سیاه خود قرار گرفته و مردم برای او جشن و -  
 شادی میکنند و او را احترام و عزت میگذارند .  
 او شاید يك سیاستمداری باشد که به این مقام  
 رسیده است، کی میداند که او به چه گناہانی  
 که دست نزده باشد، مثلاً "برضد رقیبان خود  
 چه توطئه هائی که نکرده باشد تا خودش را -  
 بد رجات بالاتری برساند و یا بغلت جاه طلبی  
 به وضع خانوادہ اش اصلاً "توجه ای ندارد و در  
 خانوادہ اش از آرامش خبری نیست، چون فرصتی  
 برای آنها نداشته و مدام بدنبال رسیدن به  
 مقام بالاتر بوده است، چون مایل بوده که مردم  
 احترام بیشتری به او بگذارند، و او را شخصی  
 بزرگی بدانند . اما پایه و اساس این مقام ہمیشگی  
 نیست . يك روز ویران خواهد شد و بایستی  
 جوابگوی همهٔ گناہان پنهان شدہ اش باشد .







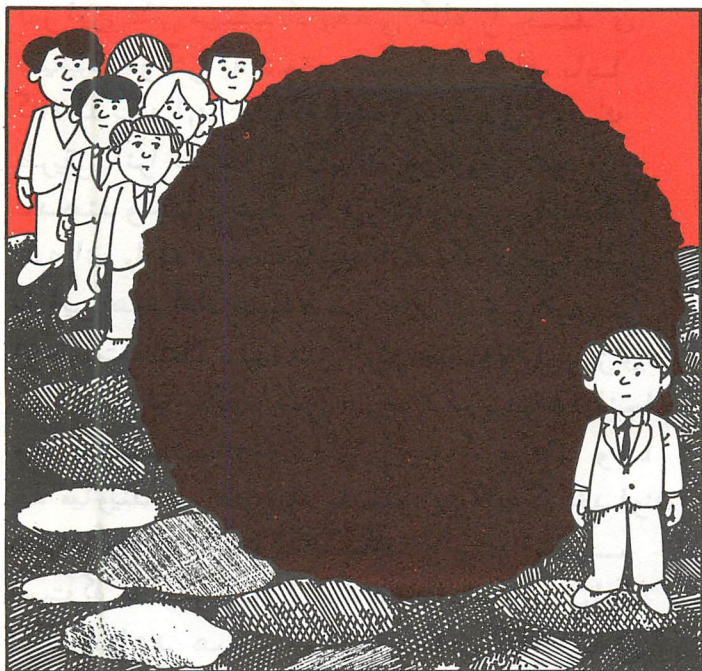
کسانی که سعی میکنند که گناهان خود را پنهان  
 کنند بدنبال دوستانی میگردند که مانند خود -  
 آنها باشند تا همدیگر را در کارهای گناه آلود  
 تشویق کنند و همدیگر را سرزنش نکنند . پس با  
 تمجید کردن از یکدیگر کوشش میکنند برای خود  
 دوستان زیادی جمع کنند تا با اتحاد با یکدیگر  
 از گناهانی که کرده اند لذت ببرند و برای کارهای  
 خود نیز با خوشحالی بخندند و بگویند :  
 آفرین بر تو که چه شاهکاری کردی بدون اینکه  
 کسی بداند آنرا انجام دادی . و یا دیگری -  
 میگوید : به به ، تو که دست شیطان را از پشت  
 بسته ای و دیگری میگوید : تا حالا که کسی نتوانسته  
 چنین کاری را که تو کردی انجام بدهد . بدین  
 طریق میخواهند بدور خود افرادی را جمع کنند  
 که احساس تنهایی نکنند و برای اینکه خودشان را  
 تنها نبینند دست به مواد مخدر و یا الکل میزنند  
 که همیشه افکارشان را مشغول سازند . و یا صدای  
 رادیو را بلند باز میکنند تا بدین وسیله سر



خود را گرم کنند و لکه سیاه زندگی خودشانرا  
فراموش کنند . آنها همیشه بد نیال شريك جرم  
میگردند که در گناه تنها نباشند ، غافل از اینکه  
هیچکس نمیتواند برای گناه خود شريك جرم  
پیدا کند چون هرکس مسئول گناه خودش است .

گناه در حقیقت نمیتواند اتحاد را بوجود بیاورد بلکه گناه همیشه جدائی به همراه دارد : جدائی از خانواده ، جدائی از همکاران ، جدائی از - همکلاسان و جدائی از دوستان . گناه هرگز نمیگذارد اتحاد واقعی و حقیقی ایجاد شود . گناه در حقیقت ما را از سه چیز جدا میکند : اول ما را از خداوند جدا میکند دوم ما را از - یکدیگر جدا میکند و سوم اینکه گناه ما را از - خودمان جدا میکند و ما را نسبت بخودمان غریب و بیمار مینماید و باعث میشود در درونمان خود خوری بوجود آید .

گناه در زندگی ما باعث میشود که نتوانیم با همدیگر ارتباط برقرار کنیم ، گناه باعث میشود که دوستی ما ضعیف شود . گناه مشارکتهای ما را از میان میبرد . گناه محبت ما را ضعیف و ناقص میکند . در نتیجه پنهان کردن گناه روح و جان ما در عذاب خواهد بود .



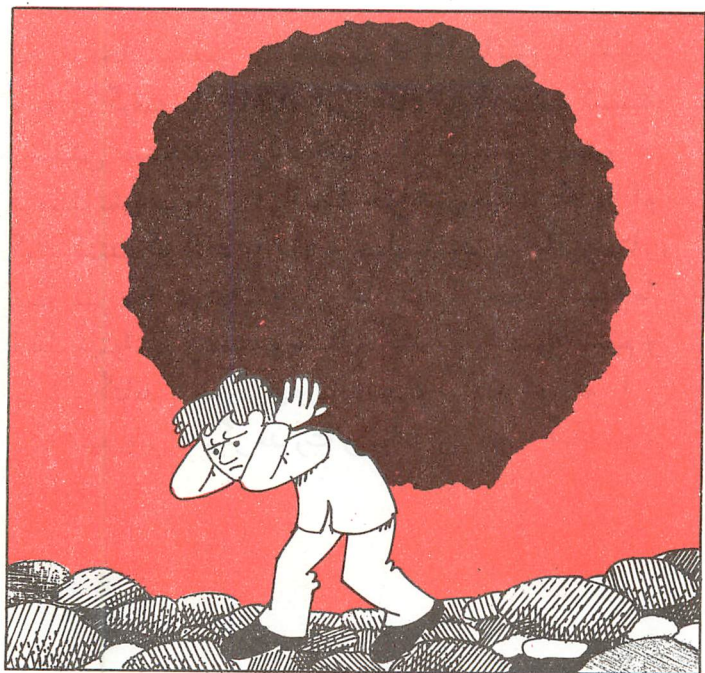
چند ساله ای که در خانه نشسته و با فکرهای خود  
در حال بازی و تفریح است و با فکرهای خود  
در حال بازی و تفریح است و با فکرهای خود  
در حال بازی و تفریح است و با فکرهای خود  
در حال بازی و تفریح است و با فکرهای خود

در این عکس میبینیم که بعضی گناه را جندی  
 نمیگیرند و آنرا به شوخی میگیرند، که ای بابا  
 گناه لذت دارد، تو که امتحان نکردی، و بیک  
 طریقی آنرا دست کم میگیرند و باز چه خود قرار  
 میدهند و چنان خود را در گناه غرق میکنند که  
 عده ای را به تعجب واد میدارند که چطوری فلانی  
 با این همه گناه همیشه سر حال تر و موافق تر  
 از ماست حتماً سری در کارش هست و یا چیزی  
 میداند. او میگوید، من هرچه دلم بخواهد انجام  
 میدهم مهم نیست که دیگران چه فکر میکنند و یا  
 چه میگویند در صورتیکه بایستی بدانیم که خداوند  
 به زندگی تك تك ما نگاه میکند و برای او مهم  
 است که ما چگونه فکر و چگونه رفتار میکنیم زیرا که  
 او نمیخواهد هیچکدام از ما بخاطر گناهانمان  
 هلاك شویم بلکه او میخواهد همه ما او را بشناسیم  
 و به او ایمان بیاوریم. و از او کمک و راهنمایی  
 بخواهیم تا گناه نکنیم. او در باره زندگی ما  
 قضاوت میکند، پس خیلی مهم است که ما بدانیم  
 خداوند در باره ما چگونه قضاوت میکند.



در این عکس حقیقت گناه را میبینیم . افرادی که  
کوشش میکنند که بر گناهان خود رنگ سفید بزنند  
و یا گناهان خود را در پشت دیواری پنهان کنند  
و یا آنرا به يك طریق خاصی تزئین نمایند تا  
دیده نشود ، بایستی منتظر آن روزی باشند که  
گناهانشان برملا شود چون گناه هرگز در -  
مخفیگاه نمی ماند ، هر قدر هم ما وقت و پول صرف  
پنهان کردن آن کنیم ، روزی خواهد آمد که گناه  
خودش را بطریقی آشکار خواهد ساخت اما  
آنوقت بسیار دیر است و گناه بار سنگینی شده که  
پشت ما در زیر آن خم شده و بردهء او شده ایم  
و باید هرچه زود تر بفکر راه و درمان آن باشیم  
و گرنه ما را خرد و هلاک خواهد کرد .

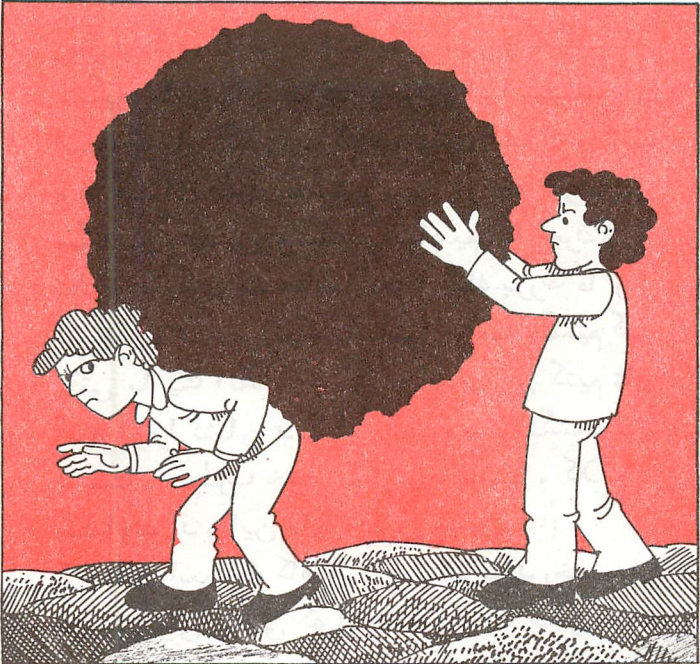




در اینجا شخص را میبینیم که گناهانش را بشوخی  
و بازی گرفته تا جائیکه این گناه بزرگ شده که  
بسختی میتواند حرکت کند . از اینجهت پیش -  
دوستانش میروند و از آنها خواهش میکنند که به او  
کمک کنند که گناه را باهم حمل کنند . اما دوستان  
میگویند ، ما نمیتوانیم بار گناه تو را تحمل کنیم ، ما  
فقط میتوانیم زحمت و مشکل گناه تو را درك کنیم و  
یا اگر گناهی نسبت به ما انجام داده ای تو را  
بخشیم ولی هرگز قدرت و توانائی حمل گناه تو را  
نداریم .



وقتی که گناه به حدی بزرگ شد که نتوانیم آنرا  
 حمل کنیم بخاطر اینکه خود مان را تبرئه کنیم و  
 خود را بی تقصیر نشان دهیم، روش زمان های  
 بسیار قدیم را بکار میبریم، مانند آدم که به خداوند  
 گفت: من تقصیر کار نیستم، این زنی که تو برای من  
 درست کردی ( یعنی حوا ) مقصر است. و حوا  
 نیز گفت شیطان مرا فریب داد. ما هم در این  
 زمان درست همین کار را میکنیم، وقتی بار گناهان  
 ما به جایی رسید که بایستی جوابگو باشیم میگوئیم  
 که تو مقصری و یا اینکه تقصیر تو بود که من بسبب  
 اینجا کشیده شدم، من بخاطر تو این کار را کردم  
 دیگری میگوید، خیر مگر تو شروع نکردی؟ مگر تو  
 بمن این راه را نشان ندادی؟ و هر کدام از ما  
 بطریقی میخواهیم تقصیر گناه خود را ولکه سیاه  
 خود را بگردن دیگری بیاندازیم.



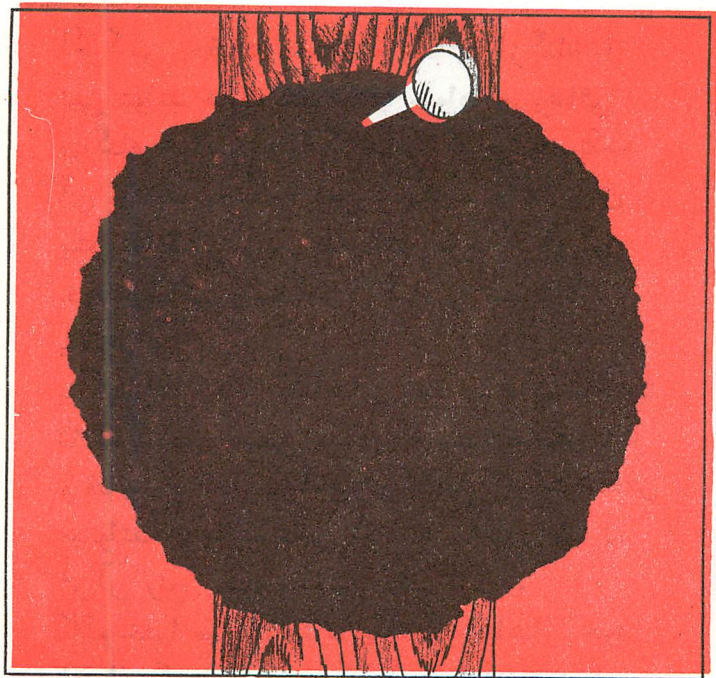
روش دیگری که من و شما بکار میبریم که گناه  
سنگین ما پنهان بماند و مردم آنرا نبینند آن  
است که با انگشت به گناه دیگری اشاره میکنیم  
و با صدای بلند میگوئیم ببین او چه کارهائی  
میکند . و بدین وسیله میخواهیم افکار مردم را  
بطرف دیگری متوجه سازیم تا گناه بزرگ ما را  
نبینند . در صورتیکه بایستی فراموش نکنیم که  
وقتی با يك انگشت بد دیگری اشاره می کنیم تا  
گناه او را نشان دیگران دهیم سه انگشت دیگر  
دست ما بطرف خود ما اشاره میکند . کلام  
خداوند در این باره چنین میگوید .

" چطور است که گاه را در چشم برادر خود  
میبینی ولی چوبی که در چشم خود داری نمیبینی  
ای ریاکار اول چوب را از چشم خود بیرون کن  
تا نيك ببینی .





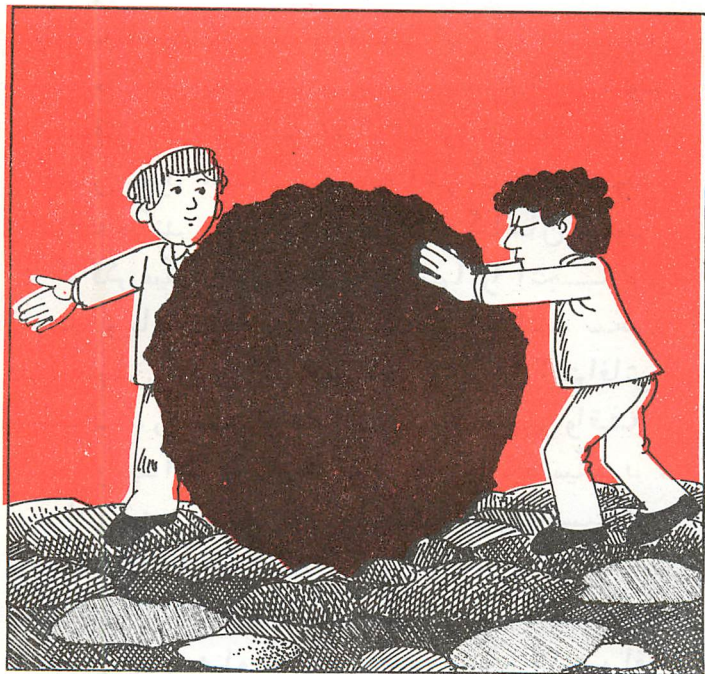
در اینجا لکه و یا بار گناه با میخی بر چوبه  
 داری آویزان شده، ولی شخص گناهکار در آنجا  
 ریده نمیشود چرا؟ چطور شد که شخصی با  
 داشتن آن همه گناه عظیم توانست از زیر بار  
 گناه آزاد شود؟ آیا چنین کاری ممکن است؟  
 بلی اما نه بطریق و نیروی انسانی که خیلی ها  
 از ما تا بحال سعی کرده و می کنند. چون -  
 محال است که شخصی که خودش غرق در گناه است  
 بتواند و یا بخواهد غریق دیگری را نجات دهد.  
 کلام خداوند میگوید: " زیرا همه گناه کرده اند  
 و از جلال خدا قاصر میباشند."  
 تنها طریق آزادی از گناه پشیمانی از گناه و نفرت  
 از آن و اعتراف به گناهان خود و ایمان آوردن به  
 عیسی مسیح است، چون او تنها بی گناه بود و  
 بخاطر گناهان ما بر روی صلیب مصلوب شد و بهای  
 گناه من و شما را که کلام خدا میگوید، " مزد گناه  
 موت است را توسط قربانیش بر صلیب پرداخت  
 پس فقط توسط صلیب عیسی مسیح است که میتوانیم  
 از چنگ گناه که نتیجه آن مرگ ابد است نجات  
 یابیم.



عیسی مسیح نه تنها مصلوب شد و روی صلیب برای  
گناهان من و شما قربانی شد بلکه از مردگان قیام  
رد و قدرت خود را بر مرگ به همه ما جهانیان  
ثابت کرد از این جهت تنها در او بخشش و حیات  
ورھائی از بارگناه امکان پذیر است .

اگر کسی حقیقت بخشش و رهائی از گناه را نمی تواند درك کند ، و یا خواهان رهائی از گناه خواص و یا گناهانی که مرتب مرتکب آن میشود باشد ؟ این شخص میتواند پیش يك ايماندار مورد اطمینانش برود که او نیز خود رهائی و بخشش از گناه را تجربه کرده باشد .

با اعتراف کردن بگناهان خود باتفاق شخص ثالث بحضور عیسی مسیح که تنها شخص پاک و قدوس و قادر بر آموزش گناهان است شخص میتواند از بار سنگین گناه که سالیان سال از آن رنج برده رهائی پیدا کند .  
کلام خدا میگوید " نزد یکدیگر بگناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد ".  
خیلی ها از این بابت ترس دارند . اعتراف



در حضور شخص ثالث حکم نیست و یا خواسته  
سختی نیست بلکه در موقع اعتراف شخص  
ثالث يك همراه است و در موقع سختی ما  
بيك همراه احتیاج داریم ، و نیز اعتراف  
بگناه در حضور يك نفر شرط آموزش نیست  
بلکه برای خیلی ها كمك است .

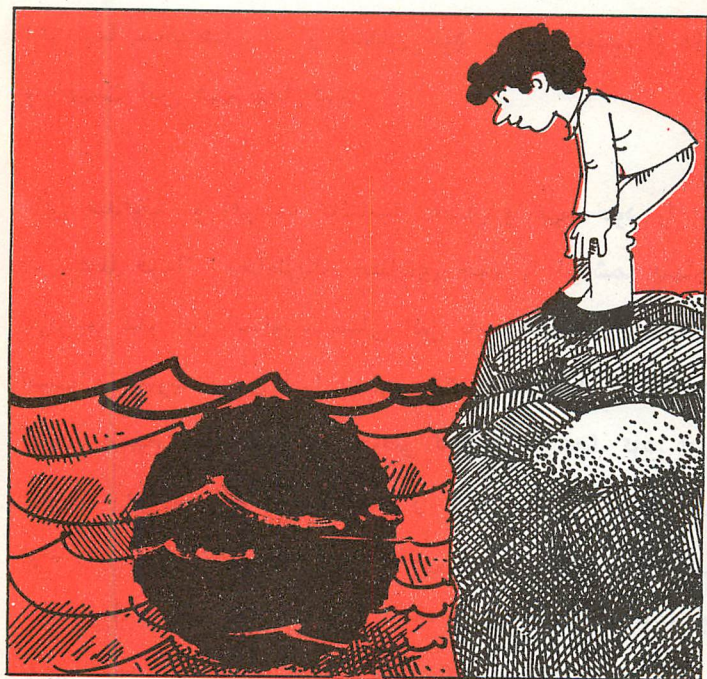
مواظب باشیم که خود را مانند این آقا فریب  
ندهیم . او می خواهد از بار گناهانش آزاد شود  
ولی وقتی که در برابر خداوند می ایستد تا به  
گناهان خود اعتراف کند ، به اکثر گناهان خود  
اعتراف میکند ولی یکی یا دو تا از گناهان خود  
را که فکر میکند شاید دوباره آنها را انجام  
دهد و یا اعتراف به آنها به ضرر او باشد سعی  
در پنهان کردن آنها مینماید . چنین اعترافاتی  
فریب دادن است و خداوند بر همه چیز واقف  
است و میداند که در درون افکار ما چه میگذرد .  
پس اگر چنین باشد ما هرگز نخواهیم توانست از  
زیر بار گناه آزاد شویم . این نوع اعتراف به گناه  
مثل این میماند که عیسی مسیح را به خانه خود  
دعوت کنیم و به او اجازه دهیم که تمام خانه و افکار  
ما را جستجو کرده و ما را از هر گناهی پاک -  
سازد ولی به او اجازه ورود به یکی از اتاقهای



کوچک را ندهیم . پس در حقیقت ما همان کاری  
را که دیگران جهت پوشاندن گناه خود میکنند  
انجام می‌دهیم و گناه خود را بدین طریق پنهان  
میکنیم پس باید بیدار باشیم و خود ما را فریب  
ندهیم و اجازه ندهیم که گناه ما را برای همیشه  
خرد و هلاک کند .

در این عکس نتیجهٔ پشیمانی و اعتراف و نفرت از  
گناه را مشاهده می‌کنیم و زیبایی‌های رهایی از بار  
سنگین گناه را توسط خون عیسی مسیح را می‌بینیم  
در کتاب مقدس (میکاه نبی ۷: ۱۸-۱۹) می‌خوانیم  
کیست خدائی مثل تو که عصیان را می‌آمزد و از  
تقصیر بقیهٔ میراث خویش در می‌گذرد. او خشم  
خویش را تا به ابد نگه نمی‌دارد زیرا رحمت را  
دوست میدارد. او باز رجوع کرده بر ما رحمت  
خواهد نمود و عصیان ما را پایمال خواهد کرد  
و تو جمیع گناهان ایشانرا به عمقهای دریا  
خواهی انداخت.





حالا رانک ای لند به ای شاک رانک و بیخاک و بیخاک  
ای لند و ای لند و ای لند و ای لند و ای لند  
ای لند و ای لند و ای لند و ای لند و ای لند  
ای لند و ای لند و ای لند و ای لند و ای لند

اگر شما میخواهید که از گناهان خود نجات یابید، از دل  
و حقیقت این قسم دعا کنید.

«ای خداوند و آفریده کائنات! فضل و کرم خود را به  
من عطا فرما! بخاطریکه خطایای خود را از شما پنهان  
میکردم. مگر ای خداوند متعال این بار برایم بسیار سنگین  
است و قدرت بردن آنرا ندارم. شکر و تمجید است که  
عیسی مسیح جان خود را بخاطر گناهان ما فدا کرد. ای  
خداوند بوسیله نام عیسی جانم را پاک بساز و از سفیدی  
برف جانم را زیاد سفید کن. خوشی نجات خود را به من  
عطا فرما. و دل نو و پاک از گناه را به من عطا فرما. و  
روح مقدس خودت را به من نازل کن، و زبانم را باز کن  
که صفات و عظمت و جلال ذات پاک شما را بیان کنم.

ای عیسی مسیح به دلم تشریف بیاورید و انرا از گناه پاک  
بسازید و روح مقدس خود را به من نازل فرما که نجات  
ابدی را حاصل کنم. آمین.»

دوستان عزیز اگر شما تقاضای مطالعه کردن انجیل شریف را  
دارید. به زبان های فارسی، پشتو، انگلیسی، آلمانی،  
عربی و دیگر زبان های گوناگون موجود است.  
شما میتوانید که به آدرس ذیل انرا دریافت کنید.

پاکستان بائبل سوسائیتی

انار کلی، لاهور پاکستان



